فهرست

[اصول/ سیره عقلائیه 2](#_Toc94439106)

[مقدمه 2](#_Toc94439107)

[تقسیمات سیره 2](#_Toc94439108)

[تقسیم اول: سیره الناس یا عقلا یا متشرعه یا معصوم 2](#_Toc94439109)

[تقسیمات سیره 3](#_Toc94439110)

[تقسیم اول: کیفیت و آداب و هیئت و رفتار 3](#_Toc94439111)

[تقسیم دوم: فعل و ترک فعل 3](#_Toc94439112)

[تقسیم سوم: سیره عملی و قولی 3](#_Toc94439113)

[تقسیم چهارم: ناشی از عقل یا احساس و سلیقه 4](#_Toc94439114)

[تقسیم پنجم: مرئی و منظر معصوم 4](#_Toc94439115)

[تقسیم ششم: در امور اجتماعی یا امور فردی 5](#_Toc94439116)

[تقسیم هفتم: سیره در یک صقع و ناحیه 5](#_Toc94439117)

[تقسیم هشتم: سیره اجتماعی در امور گوناگون 5](#_Toc94439118)

[تقسیم نهم: سیره فعلی و شأنی 6](#_Toc94439119)

[تقسیم دهم: مبتنی بر التزام و یا ارتکاز درونی 6](#_Toc94439120)

[تقسیم یازدهم: سیره جوارحی و جوانحی 6](#_Toc94439121)

بسم الله الرحمن الرحیم

# اصول/ سیره عقلائیه

# مقدمه

بحث جدیدی که آغاز کردیم حجیت سیره عقلائیه یا سیرة الناس بود یک مقدمه‌ای لازم بود که در آغاز ذکر شود که نگفتیم و متاخراً خواهیم گفت

در ابتدا وارد تعریف شدیم و یک نکاتی در باب تعریف سیره گفته شد و در مبحث دوم با تنظیمی که امروز می‌گویم وارد تقسیمات سیره شدیم

سیره را رفتار یا چگونگی رفتار که از کسی صادر می‌شود رفتار و هیئات و احوال عارضه بر رفتار که از شخصی صادر می‌شود

# تقسیمات سیره

این سیره تقسیماتی دارد

## تقسیم اول: سیره الناس یا عقلا یا متشرعه یا معصوم

حداقل این چهار دایره برای سیره می‌شود تصور کرد رفتار یا شیوه‌های رفتاری شخصی و انسانی این چهار قسم دارد این سیره را می‌شود به مافوق انسانی هم تسری داد که سیره خدا در قرآن یا خلقت و امثال اینهاست که اگر آن‌ها را هم بیاوریم یک قسم دیگری می‌شود

یعنی می‌شود سیره را تقسیم کرد به نوع عمل و رفتار اختیاری و صادر شده از موجود ذی‌شعور؛ این یا سیره مافوق انسانی است که مربوط به خدا یا مبادی غیبیه است یا سیره انسانی است

سیره انسانی یای سیره الناس است یا سیرة العقلا است یا سیره متشرعه یا سیرة المعصوم است

در اینجا سیره متشرعه و معصوم را کنار گذاشتیم ولی آن دو قسم را گفتیم همه‌اش در این بحث وارد است.

می‌خواهیم بگوییم واقعیت به حمل شایع در مورد خدا هم هست

بعد وارد این بحث شدیم که آنچه در کلمات فقها وارد است عمدتاً سیرة العقلا است ما گفتیم با قیودی هم در ذهن آقایان هست گاهی تصریح کردند و گاهی استظهار می‌شود از کلمات آن‌ها

اما به نظر می‌آید اینجا می‌توان مفهوم سیره را در دایره خیلی وسیعی به عنوان موضوع بحث قرار داد گرچه اقسام تفاوت­هایی دارد اما آنچه می‌شود در اصول مطرح کرد این است که رفتار و کیفیت رفتارهای صادره از انسان­ها می‌شود به نحوی پایه‌ای بشود برای استظهار و استنباط حکم شرعی یا نه، حالا به ضمیمه یک مقدماتی. همین‌جوری که معلوم است که سیره مردم و عقلا حکم ساز نیست در طبع و ذات اولیه با یک منضماتی و انضمام شواهد و قرائنی می‌شود این حکم شرعی بسازد و از آن حکم شرعی استفاده کرد.

اینجا گفتیم تقسیماتی برای این سیره متصور است و ما میلمان به این است که در همه این تقسیمات بگوییم سیره مدنظر است و به‌عبارت‌دیگر سیره‌ای که می‌گوییم نباید قید عقلا به آن بزنیم سیرة الناس است و همه تقسیمات را می‌گیرد

# تقسیمات سیره

## تقسیم اول: کیفیت و آداب و هیئت و رفتار

۱- سیره گاهی کیفیت و آداب و هیئات رفتارهاست و گاهی هم سیره را به خود ذات فعل صادره از شخص می‌گوییم. گفتیم اینجا وقتی می‌گوییم سیره هر دو را مقصود می‌دانیم، سیره عقلا هم آنجایی را می‌گیرد که کاری از آن‌ها صادر می‌شده است مثلاً اگر کسی تحجیر می‌کرده است او را مالک می‌دانستند رفتار مالکانه با او می‌کردند این فعلی است که صادر می‌شده است و شارع هم منع نکرده است و می‌گوییم قبول دارد یا اینکه در جاهایی حالات و هیئات عارض بر رفتارهایشان بوده است مثلاً اعتمادشان بر خبر ثقه بوده است این فرقی نمی‌کند که خود فعل باشد یا هیئات افعال باشد.

## تقسیم دوم: فعل و ترک فعل

۲- اینکه سیره دو قسم است یکی فعل شیء است و دیگر ترک شیء است وقتی ترک هم می‌کنند آن هم در یک معنای عامی سیره است چون عدم ملکه است اینجا هم می‌گفتیم در این تقسیم باز سیره اعم است هم افعال مردم و هم ترک‌های آن‌ها می‌تواند در مرئی و منظر شارع باشد و اعتبار پیدا بکند اینکه همه این کار را انجام نمی‌دادند و هیچ‌کس انجام نمی‌داده است و شارع هم بوده است به نحوی می‌شود از آن حکمی را استنباط کرد پس سیره اختصاص به فعل و امر وجودی ندارد بلکه امر عدمی و تروک را هم در برمی‌گیرد اینهم تقسیم دوم

## تقسیم سوم: سیره عملی و قولی

۳- تقسیم بعدی سیره عملی و قولی بود و گفتیم که یک نوع از سیره‌ها این نوع اعمالی است که افراد انجام می‌دهند و یک نوع سیره هم حرف زدن و یا کیفیت حرف زدن آن‌هاست اینجا هم سیره هر دو را می‌گیرد هم سیره فعلی را هم سیره قولی را از باب تشبیه سابق هم بحث می‌کردیم که یکی از راه‌ها برای تفسیر قرآن این است که نوع گفتار خدا را تحلیل کنیم و این را سیره قولی خدا می‌گفتیم که خدا چگونه حرف زده است چند بار این را گفته است و چند بار آن را گفته است و چه جوری این را بیان کرده است، خود این کیفیات قولیه شارع می‌تواند مدنظر قرار بگیرد و ما از آن استظهاراتی داشته باشیم در عقلا هم همین‌طور. اینجا کاری به سیاق نداریم و سیاق هم می‌تواند یکی از چیزهایی باشد که در ذیل این قرار می‌گیرد و الا مقصود این خیلی عام‌تر است این‌ها جای بحث است که چه مقدار می‌شود استظهار کرد در قرآن یک حدی را گفته است و یک حدی را نگفته است این یعنی چه؟ الآن هم یک چیزی را می‌گویند و یک چیزی را نمی‌گویند حدی را گفته است و حدی را نگفته است آیا این معنایی دارد؟ تأکیدی روی آن است که گفته است یا نه؟ یا اینکه یک بار یا چند بار گفتن، اینها همه سیره‌های قولی است یک جایی در بحثی قرآن ده بار تکرار کرده است و یک جا یک بار، آیا می‌شود از این چیزی را به دست آورد اینها سیره‌های قولی قرآن است. در سیره مردم هم این‌طور است که این‌جوری حرف می‌زدند یا آن‌طور حرف می‌زدند و شارع هم مطلع بوده است و چیزی نگفته است اینها می‌شود سیره‌های قولی که مشمول بحث است. این تقسیم سوم که باز می‌گوییم مفهوم اینجا عام است و همه اقسام را می‌تواند در بربگیرد.

## تقسیم چهارم: ناشی از عقل یا احساس و سلیقه

۴- این بود که سیره گاهی عقلی است یک رفتار ناشی از عقل است انجام می‌دهند گاهی ناشی از یک حکم عقلایی است و گاهی هم ناشی از یک احساس است ناشی از یک سلیقه است حتی رفتار ناشی از یک غضب یا شهوت است یک طیف از رفتارها وجود دارد که تقسیم می‌شود به رفتارهای برآمده از عقل عملی تا رفتار‌های برآمده از یک مصالح فردی اجتماعی تا رفتارهایی که ناشی از احساسات و سلایق و عواطف است کشش‌های درونی است و امثال اینها ست اینجا گفتیم این تقسیم درستش این است که بگوییم همه اقسام در اینجا محل بحث قرار بگیرد به این دلیل می‌گفتیم سیره العقلا نگوییم بهتر است و بگوییم سیرة الناس. رفتارهایی که انجام می‌دادند اگر قرار است رفتار در منظر و مرئای معصوم علیه‌السلام فقط محل بحث باشد همه اینها متصور است این‌جوری در محضر امام و مرئی و منظر امام عمل می‌کردند حالا یا ناشی از یک حکم عقلی است که نیاز به سیره نداریم یا مفاسد و مصالح اجتماعی و انفرادی که ناشی از عقل اجتماعی اشخاص است طبق آن تفسیری که قبلاً گفتیم یا اینکه رفتارهایی است که ناشی از احساسات و عواطف و سلایق و عرف‌های متفرق است فرهنگ قبیله‌ای است فرقی نمی‌کند همه اینها می‌توان گفت در مرئی و منظر است و سکوت کرده‌اند یا نکرده‌اند حکم آن چیست؟ اختصاص به سیره عقلا بما هم عقلا ندارد گرچه سیره عقلا بما هم عقلا مصداق بارز این بحث است ولی این بحث شمول دارد این یک نقطه اختلافی بود که داشتیم که گفتیم اینجا سیرة الناس تعبیر بکنیم بهتر است از سیره عقلا است خوشبختانه در بعضی از کلمات آقایان هم سیرة الناس آمده است در کلمات مرحوم شیرازی (فتوای تنباکو) ارجاعی داده شده است و نقل شده است که سیرة الناس تعبیر کرده‌اند. حالا با تتبع شاید دیگران هم گفته باشند ولی در این متأخرین سیرة العقلا مطرح است در بحث‌های بعدی و در آینده مفصل بحث خواهیم کرد که این سیره‌ها با آن بینش‌های پشت صحنه تأیید می‌شود یا بدون آن است با آن چه نسبتی دارد همه اینها بحث می‌شود.

این هم یک تقسیم بود و به نظر ما تعمیم سیره به همه اینها درست است

## تقسیم پنجم: مرئی و منظر معصوم

۵- تقسیم پنجم این بحث مرئی و منظر معصوم است برای اینکه سیره‌ها تقسیم می‌شود به سیره‌ها و رفتارهای صادره از مردم که در مرئی و منظر معصوم هست یا سیره‌هایی که در مرئی و منظر معصوم نیست این هم علی قسمین است بعضی در همان زمان معصوم است ولی در یک صقعی و محلی که از نظر جغرافیایی از حسب ظاهر محل مرئی و نظر معصوم نیست مثلاً مردم چین این‌گونه رفتار می‌کردند زمان امام علیه‌السلام یا اینکه رفتارهای متأخر از زمان معصوم است که به این سیَر عقلائیه مستحدثه می‌گویند در الفائق هم بحث شده است

این هم یک تقسیم است که ما اینجا وجهی ندارد که بگوییم فقط سیره‌های در مرئی و منظر معصوم را می‌خواهیم بحث کنیم هم آن را بحث می‌کنیم و هم آن را که در مرئی و منظر نیست یا به خاطر بُعد مکانی یا بعد زمانی منت‌ها احکام متفاوت باشد ولی بحث اصولی دارد و باید بحث کرد و این قید مرئی و منظر در محل بحث دخالتی ندارد.

## تقسیم ششم: در امور اجتماعی یا امور فردی

۶- این است که آن سیره ولو عقلایی را می‌شود به دو نوع تصویر کرد یکی در امور اجتماعی جاری است برای تنظیم روابط اجتماعی است که کثیری از سیَر این‌طور است که به خبر واحد اعتماد می‌کنند این که یَد را اماره ملکیت می‌دانند اینکه تحجیر را اماره حق یا ملکیت می‌دانند اینکه به چراغ قرمز احترام می‌گذارند اینها سیره‌های عقلایی است که تنظیمات اجتماعی فلسفه اصلی آن‌هاست اما یک سیره‌هایی داریم که عقلایی یا غیر عقلایی که در امور فردی جاری است اینکه مسواک می‌زند یا کار شخصی خودش نظم دارد لباس می‌پوشد یا کاملاً فردی است و یا اینکه اگر بعد اجتماعی دارد آن ثانوی است ولی ذات آن فردی است.

اینجا هم دو فرض و صورت متصور است بعضی گفته‌اند سیره‌هایی که اینجا بحث می‌کنیم سیره‌های اجتماعی است اینجا ما گفتیم وجهی ندارد اگر سیره‌های فردی است برای افراد به ما هو فرد نه برای اجتماعی و روابط اجتماعی ولی در مرئی و منظر است آنجا این جای بحث است که این تأیید شد یا نشد و حتی اگر گفتیم نه، باز بحث است که گفتیم نه، از این جهت است که باید تعمیم بدهیم مفهوم سیره را به همه سیَر فردیه و اجتماعیه و تخصیص به آن سیَر اجتماعیه وجهی ندارد.

## تقسیم هفتم: سیره در یک صقع و ناحیه

۷- این که سیره‌ها گاهی دایره‌های محدودی دارند در یک صقعی است در یک دایره و ناحیه‌ای است که در آنجا مردم نوعی از رفتار را سبک زندگی خود قرار داده‌اند و گاهی سیره‌ها دایره‌های وسیع‌تری دارد و سیره‌هایی است که در محله‌های مختلف یا شهرهای مختلفی هست یا اینکه در جامعه بشری آن سیره را دارند اینجا هم درست است ما اگر مرئی و منظر را بگوییم سیره در آن محدوده اطلاع امام با علل و اسباب طبیعی قرار بدهیم ولی چون مرئی و منظر دلیل نیست و ادله دیگر هم دارد و از طرفی گفتیم سیره عقلا بما هم عقلا فقط نیست از این جهت است که سیره می‌تواند یک سیره بشری باشد می‌تواند یک سیره منطقه‌ای یا محلی یا قبیله‌ای باشد در همه این اطراف بحث امکان‌پذیر است و از این جهت مناسب است که ما سیره را اعم از سیره‌های محدود به عشیره، قبیله یک منطقه و یک صقع بدانیم و یا سیره‌هایی که دایره‌های وسیع‌تر بشری دارند دایره‌های گسترده‌تری دارند همه اینها قابل بحث است پس مقسم را باید طوری قرار داد که همه اینها را در بربگیرد.

## تقسیم هشتم: سیره اجتماعی در امور گوناگون

۸- شاید به نحوی در آن قبلی‌ها بود و در عرض آن‌ها نیست و در ضمن آن‌هاست در سیره‌های اجتماعی هم دایره گسترده‌ای داریم از حیث اینکه سیره اجتماعی در یک امر اقتصادی باشد در یک امر خانوادگی باشد در امر سیاسی باشد این هم دایره‌اش وسیع است یعنی سیره‌ای که اینجا می‌گوییم در همه ساحات زندگی بشر قابل بحث است و مقسم را باید عام قرار داد و همه آن‌ها را باید مدنظر قرار داد. از جمله سیره‌های سیاسی یک بخشی از تحلیل‌هایی که از زندگی ائمه علیهم‌السلام می‌آید سیره‌های سیاسی ائمه است یک قسمی از آن‌ها مواجه آن‌ها با سیاست‌هایی که ساری و جاری بوده است فرقی نمی‌کند که افعالی که ساری و جاری است در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باشد هر چه باشد از طرف دیگر از مردم باشد یا از حکام و حکومت باشد آن هم می‌تواند مقدمه‌ای باشد برای اثبات و یا نفی حکم شرعی پس دایره این سیره‌های اجتماعی هم دایره وسیعی است سیره‌های مردم باشد یا حکومت باشد سیره‌ها در مسائل فرهنگی اقتصادی باشد یا سیاسی و امثال اینها تقسیمات مشمول این مقسم هست و در اینجا همه آن‌ها را باید بحث کنیم.

## تقسیم نهم: سیره فعلی و شأنی

۹- سیره‌های فعلی و شأنی است سیره‌های فعلی روشن است یعنی آنچه در عصر معصوم یا هر عصری ساری و جاری بوده است و تحقق فعلی داشته است تجسد خارجی پیدا کرده است

اما یک نوع سیره‌هایی هست که فعلی نبوده است ولی مطمئن هستیم اگر شرایط پیدا می‌شد مردم این طوری عمل می‌کردند این سیره‌های شأنی است اگر موضوع پیدا می‌کرد مردم این‌جور عمل می‌کردند آن وقت مثلاً ثبت اسناد به معنای امروزی نبوده است ولی کسی مطمئن باشد که اگر ثبت اسناد بود همه به آن عمل می‌کردند و همان را برای اثبات مالکیت مبنا قرار می‌دادند به‌عنوان‌مثال می‌گویم این هم نوعی شأنی است شأنی با آن بحث ارتکاز ربط دارد که در آینده بحث خواهیم کرد.

اینکه این سیره را نیاز داریم یا نداریم بحث است شاید بعضی بگویند ارتکاز کافی است درهرصورت هم این را باید تعمیم بدهیم که در سیره‌های شأنی بحث وجود دارد.

## تقسیم دهم: مبتنی بر التزام و یا ارتکاز درونی

۱۰- سیره مبتنی بر التزام و باور درونی یا ارتکاز درونی است و سیره بدون آن. گاهی سیره‌ها به این شکل است (خیلی وقت‌ها سیره عقلایی به این شکل است) یعنی سیره به این است که اعتماد به خبر ثقه می‌کنند و یک نوع باور و التزامی به این دارند و می‌گویند باید این‌جور بشود اما گاهی هست ممکن است رفتاری این طوری انجام می‌دهد و خیلی باور و التزام یا ارتکاز ثابت و پایداری ربط ندارد و به آن مبتنی نیست ولی این‌طور عمل می‌کنند این هم یک طیفی از سیره‌هاست، سیره‌های مبتنی بر یک التزام و باور و ارتکاز و سیره‌هایی که این‌جور ابتنایی ندارند در سیره‌های عادی غیر عقلایی این‌جور رفتارهایی هست که مبتنی بر ارتکاز نیست همین‌جور رفتار می‌کند گاهی خودشان هم می‌گویند خطا هست ولی عرف شده همه انجام می‌دهند درحالی‌که بعضی از سیره‌ها مبتنی بر ارتکاز و مصالح و مفاسدی هست این هم تقسیمی است که مقداری با تقسیمات قبلی ارتباط دارد درعین‌حال مستقل هم می‌شود طرح کرد و در این تقسیم هم می‌گوییم سیره اعم است و همه اینها مقصود در بحث است

## تقسیم یازدهم: سیره جوارحی و جوانحی

۱۱- تقسیم سیره به سیره جوارحی و جوانحی ممکن است کسی بگوید سیره‌هایی داریم که قسم غالب هست و آن عبارت است رفتارهایی که از اعضاء و جوارح ظاهری صادر می‌شود در امور فردی یا اجتماعی اما رفتار و اعمال ظاهری است

اما یک سیره جوانحی و درونی برای آدم‌ها متصور است اینکه فردی این‌جور فکر می‌کند و این‌جور گرایش دارد این امور باطنی هم یک سبک و سیاقی دارد و آدم‌ها با هم متفاوت هستند و باز به نظر می‌رسد که هر دو را در اینجا در بحث مبسوط قرار بدهیم ولو در نتایج متفاوت هستند مثلاً بگوییم سیره‌های باطنی و سیره‌های درونی نوع اندیشه ورزی و اعتقاد و کنش‌ها و هیجانات و احساسات درونی اینها ولو یک چیز مشترک بشری باشد یک چیز درونی است می‌گوییم شارع نسبت به آن‌ها نظارتی ندارد در مرئی و منظر او صدق نمی‌کند بالاخره این را باید جایی گفت و در جایی منقح کرد لذا باید بحث سیره را عام قرار بدهیم و بگوییم یک نوع این است و اینجا هم فرق دارد با سیره ظاهری، یک شکلی باشد که بگوییم اصلاً بحث ندارد و لذا ارزشی ندارد و کنار بگذاریم و داخل در مقسم قرار ندهیم اصلاً نیست.

این یازده تقسیمی است که در سیره متصور است علی‌الاصول می‌گوییم سیره‌ای که می‌گوییم باید بگوییم سیرة الناس که شامل همه اینها بشود. درعین‌حال اگر کسی ذوقش نمی‌پسندد می‌گوید من این را اینجا مقصودم نیست و در سیرة العقلا قرار می‌دهد عیبی ندارد اینها قرار و جعل ثانوی است ولی فی‌الواقع همه این اقسام قابل بحث است و اولی و اظهر و انسب این است که سیره را بما هی سیره ملاک قرار بدهیم و همه اینها را بحث کنیم و البته اینجا سیرة الناس است حالا متشرعه و معصوم فصول جدایی دارد که بحث خواهیم کرد.

تا اینجا بحث سیره را از نظر لغوی و مفهومی ملاحظه‌ای داشتیم و بررسی کردیم و بعد هم تقسیماتی که در سیره بالمعنی الاعم متصور است و تأکید ما در این جا این بود که مقصود از سیره بالمعنی الاعم است همه این تقسیمات را در برمی‌گیرد لذا مناسب است بگوییم سیرة الناس را بحث کنیم.